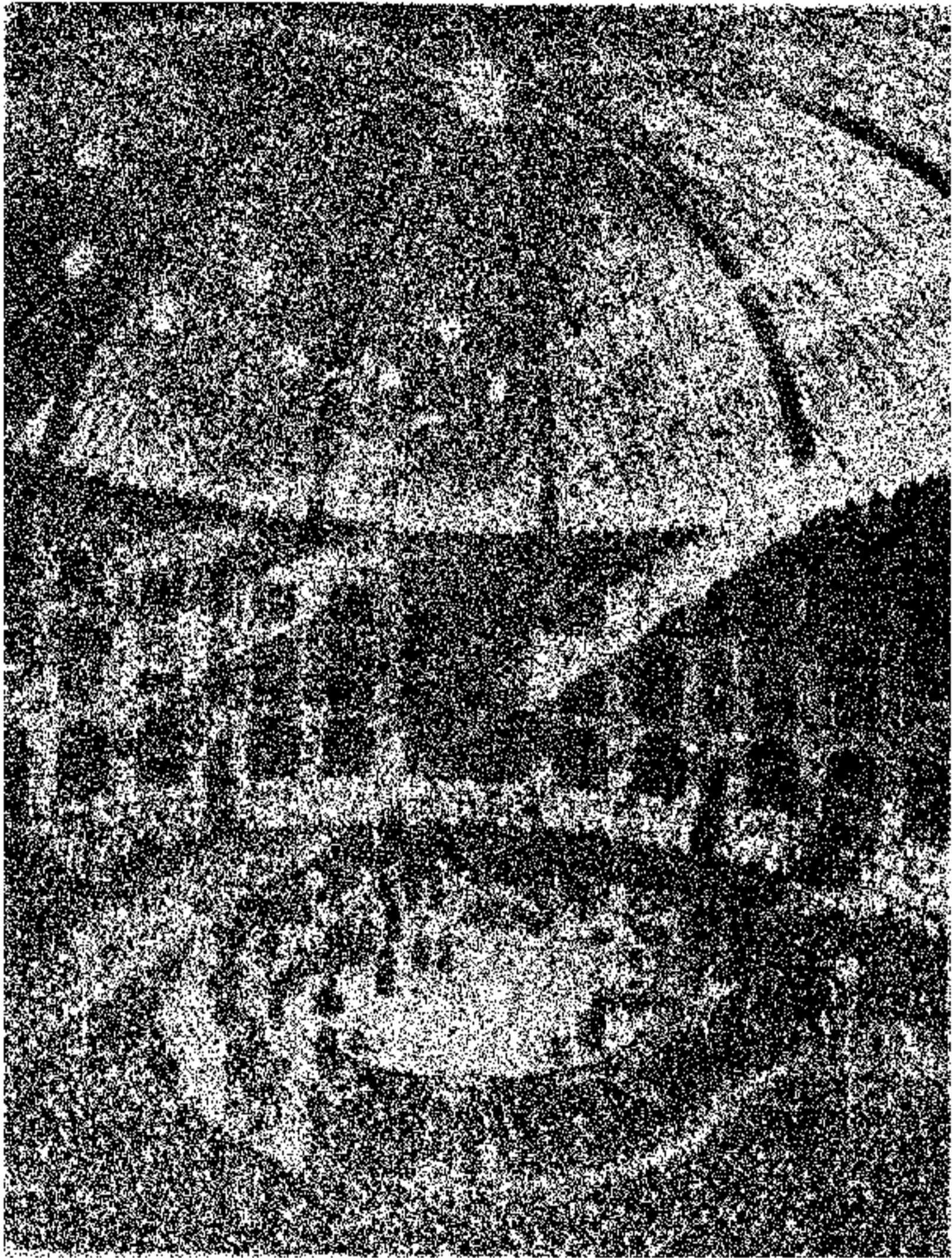


تغزیه خوانی در تکیه دولت تا اوایل مشروطیت ادامه داشت سپس موقوف و متروک گردید .



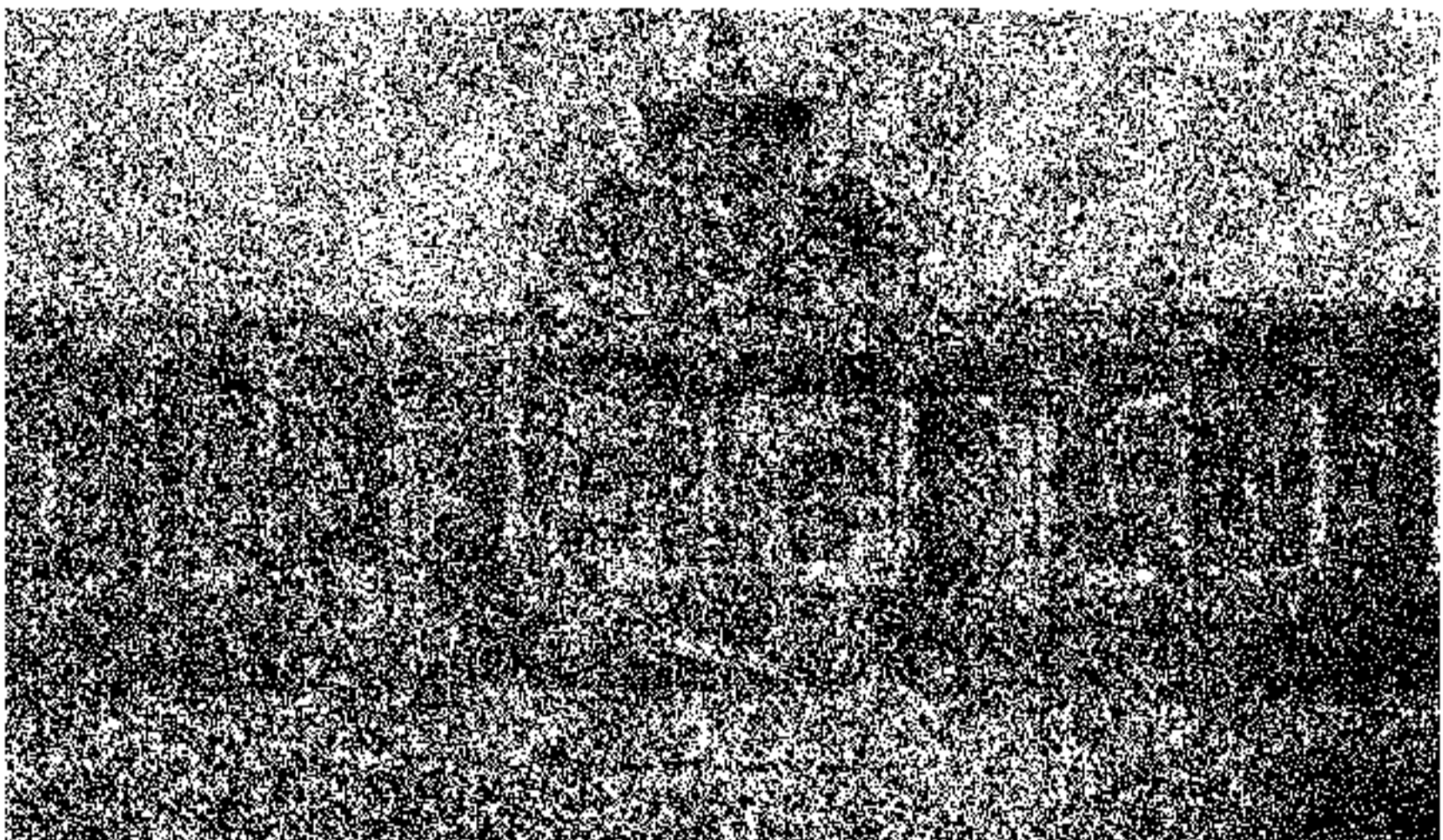
تکیه دولت بهنگام تغزیه خوانی

از روی تصویری که بقلم کمان‌الملک در موزه گلستان موجود است

دور تکیه در سه طبقه غروفه هائی بود که با قالیچه و شال و چراغ و زینت های دیگر بسته میشد . اداره هر غروفه را یکی از اعیان شهر افتخار آبرعهده میگرفت و بخرج خود ترین مبرکد و رجال و دوستان خود را بدان دعوت مینمود . صحنه نمایش در وسط تکیه قرار داشت و دور صحنه معبر عریضی بود که در آن دسته های موزیک و لاشگریان و خدم و حشم و سلحشوران سوار نقش خود را بازی میکردند . در فاصله بین معبر و غروفه ها تماشاچیان می نشستند . طاقهای بزرگ روبرو تعلق به شاه و حرم سرا داشت .

کشایش دارالفنون

دارالفنون که وسایل تأسیس آن از هر جهت توسط امیر کبیر فراهم شده بود در پنجم ربیع الاول ۱۲۶۸ یعنی سیزده روز قبل از قتل آن مرد بزرگ، با هفت نفر معلم اطریشی و عده‌ای مترجم که از میان محصلین اعزامی بفرانسه در ۱۲۶۰ انتخاب شده بودند - از طرف ناصرالدینشاه گشایش یافت. شاگردانی که در آن پذیرفتند از خانواده‌های اعیان و اشراف بودند و ۱۴ تا ۱۶ سال داشتند و عده آنان که بدو بنا بود سی نفر باشد بعداً به ۱۵۰ تن بالغ گردید.



قسمتی از ضلع شمالی دارالفنون

در چهار طرف حیاط مدرسه نظیر این اطاقها و ایوانها موجود بود
از روزنامه علمیة دولت علیه ایران شماره ۴ مورخ غره شوال ۱۳۸۰ (متعلق به آقای سعید نفیسی)

برای اینکه در روابط ایران و دو دولت روس و انگلیس اشکال جدیدی پیدا نشود امیر کبیر معلمین خارجه را از اطریش که از ممالک معظم آنروز بود و با ایران مرز مشترك نداشت استخدام کرد ولی بعد از امیر کبیر عده‌ای نیز از ایتالیا و آلمان و فرانسه استخدام گردیدند.

شعبه‌های تحصیلی عبارت بود از پیاده نظام - سواره نظام - توپخانه - مهندسی -

پزشکی و جراحی - داروسازی - کان شناسی . در تمام شعب زبان فرانسه و علوم طبیعی و ریاضی و تاریخ و جغرافیا تدریس میشد و بعدها زبان انگلیسی و روسی و نقاشی و موسیقی را در برنامه وارد کردند و باین ترتیب مدرسه شامل دروسی از متوسطه و هوادی از تعلیمات عالییه و فنی بود .

شاگردان دارالفنون نه فقط مجاناً تحصیل میکردند بلکه از طرف دولت بآنها لباس متحدالشکل داده میشد و ناهار را نیز در مدرسه بخرج دولت صرف میکردند و چند سال اول وظیفه‌ای دریافت نم نمودند و کسانی که در امتحانات نمره عالی میگرفتند باخذ جائزه و اضافه حقوق نائل میگرددند . در تاریخ طولانی مملکت این نخستین بار است که دولت مستقیماً اقدام بتأسیس آموزشگاه نموده و تمام مخارج تأسیس و نگاهداری و اداره آنرا بر عهده گرفته و اولین دفعه است که دولت برای خود مسئولیتی در امر تعلیم و تربیت قائل شده و بهمین جهت است که سال ۱۲۶۸ را مبدأ تحول و دوره جدید در فرهنگ باید شمرد . (۱)

دارالفنون با معلمین اروپائی آن در شناساندن تمدن اروپا و فرهنگ جدید مغرب زمین عامل بسیار مؤثری بود . فارغ التحصیلان آن که در ظرف چهل سال از ۱۱۰۰ نفر تجاوز کرد و اغلب از خانواده‌های مهم و متمنذ بودند در نشر این فرهنگ کوشیدند و مطالبی که در مدرسه با آن آشنا شده بودند در جامعه خود انتشار دادند . عده‌ای از آنان بمقامات عالی رسیدند و توانستند در حدود مقتضیات زمان به افکار خود جامعه عمل ببوشند . یکی از کارهای نافع که معلمین و مترجمین و فارغ التحصیلان دارالفنون کردند ترجمه و تألیف کتب درسی بود که در چاپخانه مدرسه بطبع میرسید و میان محصلین و کسانی که شائق بودند توزیع میگردد . از جمله کتب مذکور میتوان بطور نمونه تألیفات ذیل را نام برد :

تأثیرات

دارالفنون

(۱) البته اقدام عباس میرزا و میرزا عیسی قائم مقام و محمد شاه در اعزام يك تا پنج نفر

محصل باروپا نشانه احساس مسئولیت دولت در امر تعلیم و تربیت بود ولی دایمیه و دوام نداشت و بلا تعقیب ماند .

کتاب میرزا زکی مازندرانی راجع به توپخانه - حکمت طبیعی - مکانیک - حساب - جغرافیا .

کتاب جراحی دکتر پلاک (۱) اطریشی

جبر و مقابله - ریاضی - دژسازی و توپخانه توسط ستوان کرزیز (۲) اطریشی

تشریح دکتر علی رئیس الاطباء - طب دکتر ابوالحسن خان

اصول شیمی میرزا کاظم محالانی

فیزیولوژی دکتر ابو (۳) اطریشی - فرهنگ لغات طبی دکتر شلیمر (۴)

حساب و هندسه و جبر و جغرافیا و تاریخ طبیعی میرزا عبدالغفار خان نجم الدوله

کتاب راجع بتعلیم زبان فرانسه و لغت فارسی و فرانسه تألیف میرزا علی اکبر خان

مزین الدوله . . (۵)

کتاب مذکور در اشاعة فرهنگ جدید اروپا در ایران تأثیر فراوان داشت .

در ۱۲۷۲ وزارت علوم تأسیس گردید و علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه

که ریاست دارالفنون را از آغاز تأسیس دارا و از دانشمندان

و معارف پژوهان عصر بود بدین سمت منصوب شد و بیست و دو سال

متوالی مسئولیت وزارت فرهنگ را بر عهده داشت و چنانکه ملاحظه خواهد شد گامهای مهم

در اقتباس از تمدن و فرهنگ جدید اروپا برداشت .

یکی از این گامها فرستادن محصل بود بفرانسه . هفت سال

پس از تأسیس دارالفنون دولت چهل و دو تن از بهترین

فارغ التحصیلها را برای آموختن فنون مختلف بفرانسه اعزام

داشت که در ۶ محرم ۱۲۷۶ وارد پاریس شدند و پس از چند سال تحصیل به ایران

بازگشتند و هر يك در رشته خود خدماتی انجام داد و بیشتر نهضت فکری ایران بدست

تأسیس

وزارت علوم

اعزام محصل

بفرانسه

Krziz (۲)

Schlimmer (۴)

Polak (۱)

Albu (۳)

(۵) صورت ۱۶۲ جلد از این کتاب و نظائر آنرا محمد علی تربیت تهیه نموده و پروفیسور

براون در کتاب « مطبوعات و اشعار ایران نوین » در ۱۹۱۴ در دانشگاه کیمبریج بطبع

رسانیده است (صفحه ۱۶۶-۱۵۷)

آنها صورت گرفته و پیشرفتهائی که در فرهنگ جدید حاصل شد بیشتر بواسطه مقدماتی است که آنها آماده کردند و بعضی از آنها بمقامات عالی رسیدند چنانکه نظام الدین غفاری مهندس الممالک دوبار بوزارت فرهنگ منصوب شد .



علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه

نخستین وزیر فرهنگ ایران که از ۱۲۷۲ تا ۱۲۹۴ هجری قمری این سمت را عهده دار بود

مدارس جدید

حاج میرزا حسینخان سپهسالار در زمان صدارت خود در ۱۲۹۰ مدرسه مشیریه را (بمناسبت لقب مشیرالدوله که دارا بود) برای تدریس زبانهای خارجه در تهران تأسیس نمود و کتابخانه سلطنتی را نظم و ترتیب داد و مدرسه سپهسالار را که بزرگترین مدرسه علوم دینی تهران است با کاخ بهارستان بنا فرمود . در ۱۲۹۳ پنج قدم مهم برداشته شد . اولاً در تبریز مدرسه‌ای با معلمین ایرانی

واروپائی تأسیس گردید که بعد از دارالفنون دومین مدرسه دولتی جدید بود. ثانیاً مجمعی از نخبه دانشمندان و مترجمین تشکیل شد که نامه دانشوران را در هفت جلد تألیف و منتشر نمود. ثالثاً موزه سلطنتی ایجاد شد. رابعاً مجلسی از اطباء ایرانی و اروپائی بنام مجلس حفظ الصحه بوجود آمد تا مراقب بهداشت عمومی باشد و در نتیجه اقدام آن مجلس آبله کوبی از ۱۲۹۷ تعمیم یافت. خامساً نخستین بیمارستان دولتی بطرز جدید در تهران برپا گردید.

در ۱۳۰۰ یکباب مدرسه نظامی در اصفهان و در ۱۳۰۲ یک مدرسه نظامی در تهران با معلمین ایرانی که از فارغ التحصیلان دارالفنون بودند و عده ای معلم اروپائی دایر گردید.

انجمن معارف
میرزا علیخان امین الدوله در زمان صدارت خود در رمضان ۱۳۱۵
مدرسه رشديه را تأسیس کرد و انجمن معارف را که قبلاً
تشکیل شده بود رسمیت داد و اعضاء آنرا تکمیل کرد و شخصاً ریاست افتخاری آنرا بر عهده
گرفت. در انجمن مذکور علاوه بر جعفر قلیخان نیرالملک وزیر علوم، فضلا و دانشمندان
عضویت داشتند که هر يك خدمات مهمی بفرهنگ جدید نمودند چون احتشام السلطنه
مؤسس مدرسه علمیه - حاج میرزا یحیی دولت آبادی مؤسس مدرسه ادب و مدرسه
سادات - محمود خان مفتاح الملک مؤسس مدرسه افتتاحتیه - منتظم الدوله مؤسس
مدرسه خیریه

در تحت حمایت صدراعظم در باغ بهارستان گاردن پارتنی داده شد و از جوهری که
گرد آمد انجمن موفق بتأسیس چند مدرسه ملی دیگر چون اسلام و اقدسیه و شرف
مظفری و تربیت گردید - چند کتاب درسی بطرز جدید مانند «کتاب علی» در اخلاق
و اصول و فروع دین توسط حاج میرزا یحیی دولت آبادی و کتاب تعلیم الاطفال در الفبا و
قرائت فارسی تألیف مفتاح الملک تهیه و طبع و در مدارس معمول شد - کتابخانه ملی
را بنیاد گذارد - روزنامه معارف را دایر کرد . . .

در ۱۳۱۷ مدرسه علوم سیاسی از طرف وزارت خارجه تأسیس گردید و در ۱۳۲۲
ریاست آن به محمد حسین فروغی ذکاء الملک تفویض شد. در همان سال نیز مدرسه
کمالیه را آقای مرتضی کمالیه برپا ساخت. در ۱۳۱۸ مدرسه فلاحت بریاست یکنفر

کارشناس بلژیکی از طرف اداره خالصه دائر گشت .

سازمان و برنامه
یکی از مدارس ملی

مدارس ملی که باین ترتیب بوجود آمد دارای سازمان و برنامه
ثابتی نبود و مدیر و مؤسس هر مدرسه بر حسب ذوق و سلیقه
خود و اطلاعاتی که از مدارس جدید بدست آورده بود و

معلمینی که پیدا میکرد «اطاق» هائی را دائر مینمود و موادی را میآموخت چنانکه مثلاً
مدرسه کمالیه (که نگارنده در آن تحصیل مینمود) در اطاق اول الفبا از روی تعلیم الاطفال
وقرائت و شرعیات از روی « کتاب علی » و کلام الله با عمل تجوید آموخته میشد و باطفال
ده دوازده ساله صرف و نحو و قرائت عربی از روی قواعد الجلیه و مدارج القرائه چاپ
بیروت - زبان فرانسه از روی فواید الترجمان مخبر السلطنه هدایت و لکتور کورانت و
لکتور داکوسین و دستور کلود اوژه (۱) چاپ پاریس تدریس میشد و در اطاقهای چهارم
و پنجم شرعیات و کلام از روی کتاب بدایه و باب حادی عشر (عربی) - منطق از روی
حاشیه ملا عبدالله (عربی) - حساب و هندسه و جبر و مقابله و هیئت از روی کتب حاج
نجم الدوله و میرزا رضا خان مهندس الملک - تاریخ از روی کتاب محمد عالی ذکاء الملک
فروغی - جغرافیا از کتاب مهندس الملک تعلیم میگردد . کتب فارسی که از اطاق دوم و سوم
بکار برده میشد عبارت بود از گلستان سعدی و تاریخ المعجم فی آثار ملوک المعجم تألیف
فضل الله الحسینی که از متون معقد و مشکل زبان فارسی است .

امتحانات آخر سال در حضور اعظام و رجال شهر و اولیای اطفال انجام میشد و از
هر کودک منفرداً و شفاهاً سؤال میکردند تا هم مردم از پیشرفت شاگردان آگاه شوند و
هم مسلم گردد که شرعیات و تعلیمات دینی را در مدرسه آموخته اند و مجالی برای تهمت
و مخالفت متعصبین باقی نماند .

از عوامل مهم دیگری که در این دوره ایران را بفرهنگ جدید
مدارس خارجی

اروپا آشنا و به تجدد خواهی متمایل کرد تأسیس مدارس خارجی

بود. در ۱۲۷۷ در تهران لازارستهامدرسه سن لوئی را دائر کردند. در ۱۲۸۲ مدارس دخترانه
در تبریز و ارومیه و سلماس و اصفهان از طرف جمعیت خواهران سن و نسان دوپل (۲) برپا شد.

بسال ۱۲۸۹ مدرسه پسرانه امریکائی در تهران و در ۱۲۹۰ در تبریز و در ۱۲۹۸ در همدان و در ۱۳۰۰ در رشت بوجود آمد. در ۱۲۹۲ جمعیت خواهران سابق الذکر مدرسه دخترانه سن ژوزف را در تهران باز کرد. در ۱۳۱۳ مدرسه دخترانه امریکائی در تهران تأسیس شد. در ۱۳۱۶ جمعیت آلیانس فرانسه مدرسه‌ای به همین اسم در تهران افتتاح نمود. در ۱۳۲۲ جمعیت مذهبی انگلیسی استوارت مریال کالج (۱) را در اصفهان و بعد مدارس دیگری در شیراز و کرمان و یزد برپا کرد.

عوامل دیگر تجدد

مسافرت های ناصر الدین شاه بارو با که در مرتبه اول و دوم در ۱۲۹۰ و ۱۲۹۵ بمصاحبت اندیشی حاج میرزا حسین خان سه ساله انجام گرفت و بعد در ۱۳۰۶ تکرار شد - خطوط تلگراف بین شهرهای مهم ایران و همچنین بین لندن و هندوستان از راه ایران که از ۱۲۷۴ تا ۱۲۹۵ تأسیس گردید - ایجاد کارخانه های مخلف چون چراغ گاز و قند سازی و بلور سازی و کبریت سازی و بافندگی و خرابخانه در تهران - استخدام کارشناسان پست و گمرک از بلژیک و اطریش - تأسیس بانک شاهنشاهی انگلیس و بانک استقراضی روس - دائر شدن سفارتخانه های دائمی از طرف دول فرانسه و اطریش و آلمان و امریکا در تهران و سفارتخانه های دائمی ایران در لندن و پاریس و پترزبورگ و وین و برلین - مسافرت های مظفر الدین شاه بارو در ۱۳۱۸ و ۱۳۲۱ و ۱۳۲۳ - مرادۀ اعیان و اشراف و بازرگانان با اروپا مخصوصاً از آغاز سلطنت مظفر الدین شاه باینطرف، همگی در انتشار آداب و رسوم و تمدن و فرهنگ جدید اروپا در ایران کهک بسیار کرد.

تأسیس تلگراف علاوه بر ایجاد ستایش نسبت به علوم و هنر جدید مغرب زمین، باعث ارتباط سریع مردم دور دست بامرکز و امکان دادخواهی مظلومان از تعدیات و اجحافات مأمورین دولت گردید و در مردم روحیه تازه ای دمید.

سید جمال الدین اسدآبادی

یکی دیگر از عوامل بیداری طبقه باسواد سید جمال الدین اسدآبادی معروف به افغانی بود که از اسدآباد همدان برخاست و در ۱۳۱۴ در اسلامبول در شصت سالگی دنیا را بدرود گفت.

وی با بیانات شورانگیز و مقالات آتشین مردم را با اتحاد و جلوگیری از استعمار دول اروپائی و مبارزه بر ضد فساد و استبداد و ظلم و جور مأمورین دولت و اقتباس از تمدن اروپا تهییج نمود و دومین باری که از مسافرت‌های خویش بخارجه بازگشت ناصرالدین شاه اجازه نداد زیاد در ایران اقامت کند و بخارجه‌اش تبعید کرد. میرزا رضای کرمانی از مریدان او بود و مواعظ سید در اخلاق و رفتار او تأثیر زیاد داشت.

روزنامه‌ها جرایدی که در خارج از ایران منتشر میشد یکی دیگر از عوامل آشنا ساختن طبقه متوسط و باسواد با افکار آزادیخواهی و تجدید طلبی بود که بطور مثال کافی است مهمترین آنها با محل طبع و تاریخ شروع در اینجا ذکر شود:

در ۱۲۹۲ روزنامه اختر چاپ اسلامبول - ۱۳۰۰ عروة الوثقی بعربی چاپ پاریس (توسط سید جمال‌الدین اسدآبادی) - در ۱۳۰۷ قانون، طبع لندن (توسط ملک‌خان وزیر مختار پیشین ایران در انگلستان) - در ۱۳۱۱ حبل‌المتین، چاپ کلکته - در ۱۳۱۶ نریا، و پرورش چاپ مصر

البته در داخله مملکت نیز چند جریده و مجله در تهران و ولایات انتشار یافت مانند روزنامه علمیه دولت علیه ایران (۱۲۸۰) - روزنامه ملت (۱۲۸۳) - روزنامه اطلاع (۱۲۹۵) - روزنامه نظامی (۱۲۹۶) - روزنامه دانش (۱۲۹۹) - روزنامه تربیت (۱۳۱۴) توسط محمد حسین فروغی ذکاء‌الملک - روزنامه معارف (۱۳۱۶) و همچنین روزنامه تبریز (۱۲۸۸) در تبریز - روزنامه فارس (۱۲۹۲) در شیراز - فرهنگ (۱۲۹۶) در اصفهان و مانند آن . . . ولی این جراید و مجلات راجع با آزادی و عدالت و نحوه حکومت مطلبی نمی‌نوشتند و با وجود منافع دیگری که داشتند قادر نبودند انتقادی از اوضاع و احوال مملکت بنمایند.

واعظان مهم طبقه سوم پایتخت را و عساکر بیدار کردند و در این زمینه سید جمال‌الدین اصفهانی و ملک‌المتکلمین و شیخ محمد همدانی با بیانات شیرین و ساده و مهیج خود خلق را بمقاومت در مقابل استبداد و مبارزه با فساد

و تحمل نکردن ظلم تشویق و تحریص نمودند و در حقیقت کلاسهای بزرگی برای تعلیم سالمندان و ارشاد و راهنمایی مردم باز کردند. در این ارشاد حمایت و نفوذ عده‌ای از روحانیان مهم چون آخوند ملا محمد کاظم خراسانی مرجع تقلید شیعیان و سید محمد طباطبائی و سید عبدالله بهبهانی بسیار سودمند و مؤثر بود.

در اثر عوادلی که مذکور افتاد، آزادیخواهان و طبقه متوسط و تجار و کسبه تهران در ۱۳۲۴ نهضتی نمودند که منجر بصدور فرمان مشروطیت و تدوین قانون اساسی شد و بموجب این دوسند حکومت مطلقه مبدل بحکومت ملی گردید.

دوره دوم

از تأسیس حکومت ملی تا پایان جنگ جهانی اول

۱۳۳۷-۱۳۲۴

استقرار و دوام حکومت ملی بستگی تام بر رشد فکری و اخلاقی مردم دارد. اگر افراد ناس تکالیف و وظایف خود را نسبت بحکومت و مملکت بدانند و حاضر باشند دور هم گرد آیند و از منافع شخصی چشم بپوشند و بارعایت مصالح عمومی اشخاص را که شایسته هستند بوکالت مجلس و انجمن های ایالات و ولایات و شهرها برگزینند و مراقب باشند که نمایندگان مذکور بهترین وجه بوظایف خود رفتار نمایند یعنی مثلاً وزیران لایق و درستکار را در رأس امور بگذارند و در کار آنان نظارت کنند آنگاه حکومت ملی مصداق خارجی پیدا میکند والا آشفتگی و بی نظمی و بی ثباتی در امور پدیدار خواهد شد.

در ۱۳۲۴ که فرمان مشروطیت صادر و مسئولیت امور مملکت بعهده ملت واگذار شد از مردم عده کمی هم آماده برای انجام دادن چنین امری نبودند. در نتیجه چند هزار سال حکومت فردی و استبدادی و اعتیاد مردم بدان، کسی آشنا با اصول حکومت ملی و تشریح مساعی بایکدیگر و همکاری و تجمع و تحزب نبود. آمار وزارت فرهنگ در ۱۳۲۹ یعنی سال پنجم تأسیس مشروطه نشان میدهد که در آن سال در تهران ۱۲۳ دبستان با ۵۳۱۰ شاگرد وجود داشته و اگر فرض کنیم در ولایات نیز ده هزار نفر در مدارس جدید مشغول تحصیل

بوده‌اند از هزار نفر کودک بین سن ۷ و ۱۳ فقط دو نفر بمدرسه می‌رفته‌اند! با این وصف چگونه ممکن بود که حکومت ملی حقیقه بوجود آید و قوام پیدا کند؟

البته افکار آزادیخواهی بین عده محدودی منتشر شده بود. مردم هم از ظلم و جور مأمورین دولت بستوه آمده بودند و عدالت می‌خواستند. دولت روس بحمايت پادشاه مستبد و دولت انگلیس بكمك عدالتخواهان اقدام کردند. در اثر کشمکشی که بوقوع پیوست و ضعف ورنجوری مظفرالدین شاه حکومت بدست ملت سپرده شد ولی چون مردم برای حکومت ملی تربیت نشده بودند حکومت ملی بمعنای واقعی بوجود نیامد (۱) بویژه که قانون اساسی مطابق مقتضیات مملکت تدوین نگردید و باشتابزدگی از روی قانون اساسی بلژیک (که نسخه آن در آن موقع در تهران موجود بود) طرحی تهیه و تصویب شد. ازینرو اوضاع آشفته شد و هرج و مرج پدید آمد و باز در ایجاد این وضعیت عمال سابق استبداد و مأمورین دول روس و انگلیس دخیل و مؤثر بودند.

چون از ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۷ میان آزادیخواهان و مشروطه‌طلبان فرهنگ در آغاز
و محمد علی شاه و اعوانش کشمکش بود کسی در فکر فرهنگ
و آموزش و پرورش نبود. اثر مهم اعلام مشروطه و تأسیس
مجلس این شد که از بانیان مدارس جدید و پیشقدمان معارف تازه که تا آن زمان مورد تحقیر و اهانت و ایذاء جهال و متعصبین و مرتجعین بودند تجلیل و قدردانی بعمل آمد و موفقیت مایون را در تأسیس حکومت ملی تا حدی مرهون فداکاری و زحمات آنان دانستند و عده‌ای از آنان را بنماینده‌گی مجلس و تصدی امور انتخاب کردند.

تنها قدمی که مجلس اول در راه نشر افکار و پیشرفت معارف نمود وضع قانون مطبوعات بود که در محرم ۱۳۲۶ بتصویب رسید و آزادی جراید را تأمین کرد. در نتیجه بر عده روزنامه‌ها در تهران و ولایات افزوده شد و بیشتر آنها به بیداری مردم و ترویج

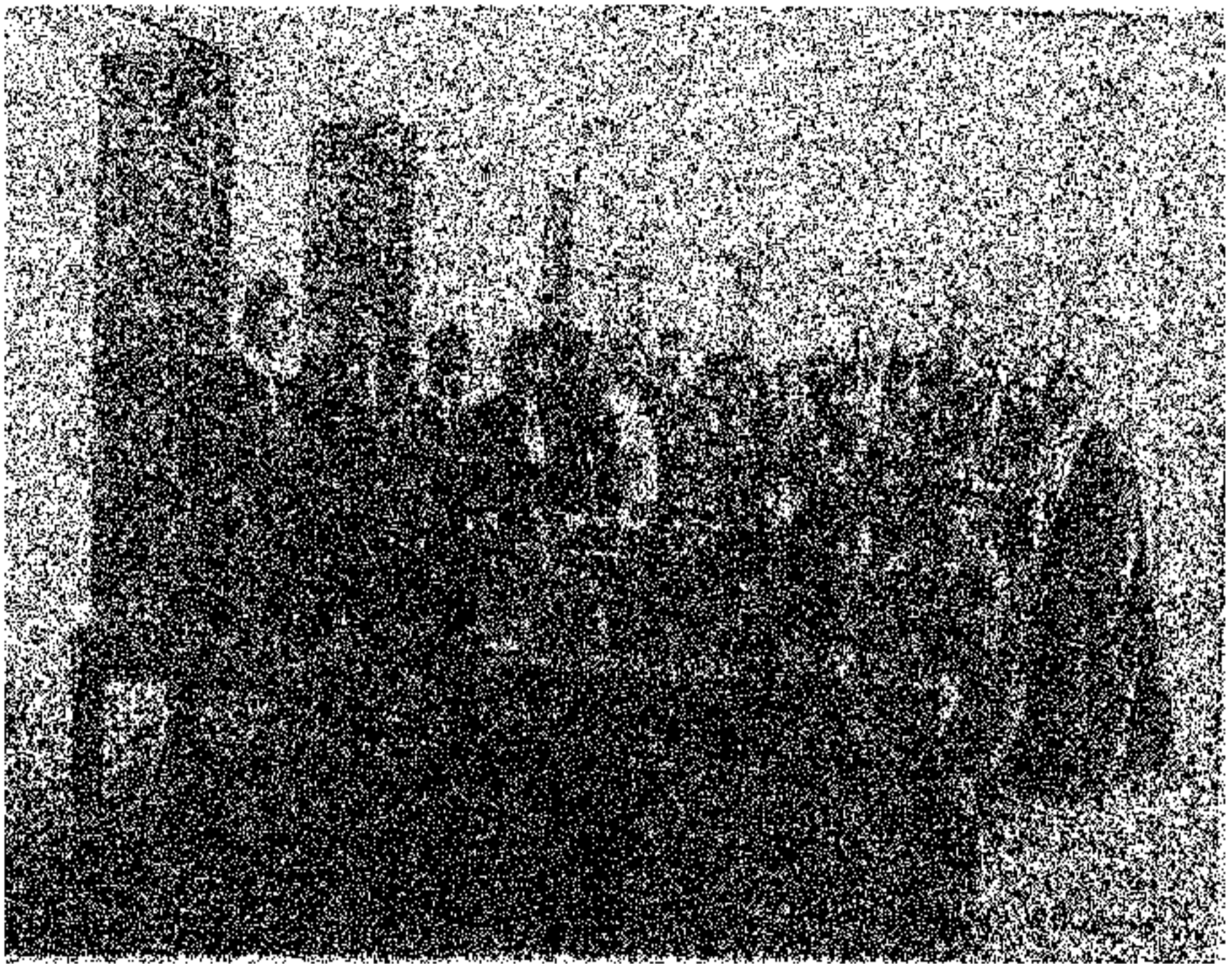
(۱) چنانکه در صفحه ۳۳۵ ملاحظه شد در ژاپن ابتدا مدرسه جدید باز کردند و آموزش را اجباری نمودند و در ظرف ۱۸ سال مردم را برای حکومت ملی تربیت کردند و وقتی افراد ناس آماده برای شرکت در حکومت و انجام دادن وظایف مدنی شدند حکومت ملی را در آن مملکت برقرار کردند.

اشعار جدید با مضامین تازه و پیدایش سبک نوین در روزنامه نگاری کمک بزرگ کردند.
در مدت سه سال مذکور چند مدرسه ملی مانند زردشتیان و قاجاریه و تنبین و
ثروت و اشراف و یکی دو مدرسه دخترانه در تهران بوجود آمد.

پس از خلع محمد علی شاه از سلطنت در ۱۳۲۷ و افتتاح مجلس
دوم چند مدرسه ملی دیگر از طرف معارف خواهان در تهران و
ولایات تأسیس گردید. در ۱۳۲۸ مجلس قانون اداری وزارت
فرهنگ را تصویب کرد و سازمان آن وزارتخانه و رؤوس و وظایف آنرا معین کرد. در ۱۳۲۹

فرهنگ

و مجلس دوم



ایوان دارالفنون در موقع امتحان در ۱۳۳۳ قمری

دست چاپ ایستاده: آقای ابراهیم حکیمی (حکیم الملک) وزیر فرهنگ - رضاقلی هدایت معاون
وزارت فرهنگ - امیر سهام الدین غفاری رئیس بازرسی - دکتر علی پرتو اعظم رئیس فرهنگ
غلامحسین رهنما - علی محمد پرتوی - مهندس الملک - و بشارد معلمین دارالفنون
نزدیک بآخر با پاس سفید ادیب الدوله رئیس دارالفنون. دست راست ایستاده اعتماد الاسلام
معلم فقه و عربی

چند قدم مهم به پیشنهاد دولت و تصویب مجلس نسبت بتوسعه معارف برداشته شد. اولاً قانون اساسی فرهنگ تصویب گردید و تمام دستگاه تعلیم و تربیت اعم از دولتی و ملی در تحت نظارت وزارت فرهنگ در آمد و مقرر شد تعلیمات ابتدائی برای همگی اطفال از هفت سالگی اجباری باشد. ثانیاً قانونی برای اعزام سی نفر محصل بارو با بتصویب رسید که ۱۵ نفر در رشته آموزش و پرورش و بقیه در رشته نظام و کشاورزی تحصیل کنند. وزارت فرهنگ با آقای ابراهیم حکیمی بود و داوطلبان با امتحان مسابقه انتخاب و بفرانسه و انگلستان اعزام شدند و نگارنده این سطور یکی از آنها بود (۱). ثالثاً نخستین قانون برای تأسیس دبستان (۹ باب) بخرج دولت در هر کز و تبریز و مشهد و شیراز و کرمان بتصویب رسید باین ترتیب که هر کدام شش کلاس داشته باشند و نصف شاگردان از اشخاص بی بضاعت برایگان تحصیل کنند و نصف دیگر مبلغ جزئی که در قانون تصریح شده پردازند. رابعاً دوره تعلیمات متوسطه شش سال معین و برنامه تفصیلی آن تهیه و طبع شد و باین ترتیب دوره تعلیمات عمومی دوازده سال تعیین گردید. خامساً مدرسه صنایع مستظرفه بمدیری که ال الملک (محمد غفاری) که از استادان نامی هنر و کمال بود تأسیس گشت.

در اثر تجاوز روسیه بخاک ایران و تعطیل مجلس و اعدام عده ای از احرار و پیشوایان مشروطه ... در اثر پیش آمد جنگ جهانی اول و استیلاء دول مخاصم بر قسمتی از مملکت، اوضاع ایران تمامقارن پایان جنگ در ۱۳۳۷ آشفته بود و قهر اقدامی نسبت بفرهنگ بعمل نیامد.

دوره سوم

از پایان جنگ جهانی اول تا آخر سلطنت رضا شاه

۱۲۹۷-۱۳۲۰ (۱۳۶۰-۱۳۳۷ قمری)

در ۱۲۹۷ یعنی مقارن آخر جنگ جهانی اول دولت بریاست و ثوق الدوله تشکیل

گردید و وزارت فرهنگ به نصیرالدوله (احمد بدر) سپرده شد.

پس از برقراری امنیت نخستین اقدام دولت نسبت بفرهنگ تأسیس دارالمعلمین

(۱) بعضی از آنها که حائز مقاماتی شدند عبارتند از سر تیپ سیف الله شهاب -

سر لشکر علی ریاضی - آقایان دکتر علی اکبر سیاسی و علی اکبر بهمن و وحید تنکابنی

مرکزی بریاست آقای ابوالحسن فروغی و دارالمعلمات و هشت دبیرستان و چهل دبستان در تهران و ده دبستان در حومه پایتخت بود .

سال ۱۲۹۷ بیشتر از این حیث مهم است که دولت برای اولین بار رسماً به تربیت آموزگار در داخله مملکت اقدام کرد . در ولایات نیز بتناسب اهمیت و موقعیت آنها اقداماتی در توسعه مدارس بعمل آمد چنانکه مثلاً در ۱۲۹۸ توسط نگارنده يك دبیرستان در رشت و هفت دبستان در رشت و بندر پهلوی و لاهیجان و لنگرود و رودسر و فومن تأسیس گردید و بعضی از مدارس ملی اعانه داده شد .

مدرسه حقوق باعده‌ای استاد ایرانی و فرانسوی و مدرسه دندانسازی نیز در این موقع ایجاد گردید و در مدرسه طب که تا آن زمان جزو دارالفنون بود اصلاحاتی بعمل آمد و از دارالفنون مجزی گشت .

پس از کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ و ظهور مرد با اراده و مقتدری در رأس کارها ، ثبات در اوضاع حاصل و هر سال بر بودجه وزارت فرهنگ افزوده شد و بهمان تناسب بر عده مدارس در تهران و ولایات اضافه گردید .

در اسفند ۱۳۰۰ قانون شورای عالی فرهنگ بتصویب مجلس رسید
تقود و مداخله دولت
 و کلیه امور فنی مدارس مانند برنامه‌ها و امتحانات و صلاحیت معلمان در آنجا متمرکز شد و بتصویب رسید و همچنان که خاصیت حکومت متمرکز است اتحاد شکل تدریجاً در آموزشگاه‌ها عملی گردید .
 بتناسب بسط و قدرت دولت ، مدارس دولتی از حیث سازمان و برنامه و امتحانات یکسان شد . دولت در امور مدارس ملی مداخله کرد و برای مدارس خارجی مقرراتی وضع نمود و رفته رفته آنها را محدود ساخت تا مدارس امریکائی و انگلیسی در ۱۳۱۹ بکلی تعطیل گشت و تنها مدارس فرانسوی در اثر استمهال باقی ماند و بواسطه اشغال مملکت از طرف متفقین در ۳ شهریور ۱۳۲۰ ، آموزشگاههای مذکور نتوانستند بکار خود ادامه دهند
تشویق جوانان
 در ۱۳۰۴ که قانون نظام وظیفه وضع شد امتیازات خاصی برای شاگردان دبیرستانها و مدارس عالی قائل شدند و باین ترتیب جوانانرا تشویق بتحصیل نمودند .

آثار ملی

مقارن بالغای حق قضاوت کنسولها، در ۱۳۰۶ در زمان وزارت تدین، امتیاز انحصاری کاوش های علمی که از زمان استبداد در دست فرانسوی ها بود انقضای آن و سه سال بعد بموجب قانون عنیقات کلیه مؤسسات علمی ایرانی و بیگانه مطابق مقررات خاصی مجاز بکاوش شدند و از آن تاریخ تاکنون در تخت جمشید و نیشابور و سیالک کاشان و شاپور کازرون و شوش وری و نهاوند و دامغان و نقاط دیگر حفاریات مهم بعمل آمده و بسیاری از حقایق تاریخی کشف و عدّه زیادی کتاب درباره تاریخ باستانی ما بفارسی و زبانهای خارجه تألیف و طبع گشته است. باضافه، در نتیجه جمع شدن اشیاء مکشوفه بسال ۱۳۱۳ ساختمان موزه ایران باستان برای طبقه بندی و نگهداری آثار مذکور و ارائه آنها باهل فضل و دانش آغاز گردید و در ۱۳۱۸ برای افتتاح آماده شد. در تهران موزه مردم شناسی و در قم و اصفهان و شیراز و مشهد موزه های محلی بوجود آمد. حفظ عمارات و ابنیه تاریخی و تعمیر آثار ملی چون مساجد و مدارس و خانقاهها و مقابر و منارهها و بقعهها و کاخها در تمام مملکت انجام گرفت. در ۱۳۱۳ جشن بین المللی هزاره و کنگره فردوسی در تهران منعقد شد و گشایش آرامگاه مجلل او که بهمت انجمن آثار ملی در طوس ساخته شده بود صورت یافت.

در ۱۳۰۷ در زمان وزارت اعتمادالدوله (یحیی قراگوزلو) کام

اعزام دانشجو

بسیار مهمی برای پرورش کارشناس و رفع حوائج فنی و علمی برداشته شد و بموجب قانون اعزام محصل بخارجه مقرر گردید تا شش سال هرساله لااقل یکصد دانشجو برای تحصیل فنون و علوم طبیعی و ریاضی و تعلیم و تربیت و پزشکی و مهندسی از میان فارغ التحصیل های دبیرستانها با امتحان مسابقه انتخاب و باروپا روانه شوند (۱). برای آماده کردن عدّه مذکور، در مدارس موجود اصلاحات اساسی بعمل آمد و بر عدّه دبیرستانها افزوده شد و عدّه ای معلم فرانسوی برای آنها استخدام گردید. برای تهیه دبیر جهت مدارس مذکور دارالمعلمین مرکزی تبدیل بدارالمعلمین عالی شد و چند نفر استاد فرانسوی نیز برای آن جلب گردید.

(۱) علاوه بر عدّه مذکور وزارت راه و دادگستری و پست و تلگراف و مخصوصاً وزارت جنگ عدّه زیادی محصل باروپا گسیل داشتند. توانگران نیز بدولت تاسی کرده فرزندان را برای تحصیل بخارجه فرستادند.

تعلیمات مجانی
کتاب درسی ممتاز برای تمام دبستانهای مملکت با اسلوب
واحد توسط نویسندگان عالیقدر تألیف و توسط وزارت فرهنگ
طبع و بیهای ارزان در تمام کشور معمول گردید و بعدهای از شاگردان نیز برای بندگان داده شد.
بموجب قانون متمم بودجه ۱۳۱۲ از اول فروردین ۱۳۱۲ در تمام مملکت
دبستانهای دولتی برای کلیه شاگردان مجانی شد.

تأسیس دانشگاه
تهران
در ۱۳۱۰ که نگارنده بدعوت دانشگاه کامبیا در نیویورک
مشغول مطالعه بود بدستور دولت نقشه و طرح تفصیلی دانشگاه
تهران را تهیه کرد و در مراجعت بتهران مأمور اجرای آن طرح
گردید. ازینرو دارالمعلمین عالی را در اراضی نگارستان هسته مرکزی دانشگاه قرارداد
و آنرا به شکل يك مؤسسه نوین تعلیمات عالی در آورد. با سازمان و برنامه جدید و
شش آزمایشگاه و يك کتابخانه و شعبه علوم تربیتی و کارهای فوق برنامه (۱)

در خرداد ۱۳۱۳ در زمان وزارت آقای حکمت قانون تأسیس دانشگاه بتصویب مجلس
رسید و در ۱۵ بهمن همان سال بنیاد آن بدست رضاشاه در اراضی جلالیه در شمال غربی تهران
گذاشته شد و از ۱۳۱۶ بپس بتدریج که بناهای جدید آماده شد دانشکده طب و
دندانسازی و داروسازی و دانشکده حقوق و علوم سیاسی که هر دوی آنها با سازمان
مخنصری از سابق وجود داشت و دانشکده فنی که در ۱۳۱۳ تأسیس گردیده بود بدانجا
منتقل شد. دانشکده ادبیات و دانشکده علوم هم در سال مذکور در محل دانش سرای
عالی (نگارستان) بوجود آمد. دانشکده معقول و منقول نیز در آن سال در مدرسه
سیهسالار تأسیس شد. برای معلمین دانشکدههای مختلف علاوه بر کسانی که در مملکت

(۱) تا ۱۳۱۱ هیچ مادهای از علوم تربیتی در آموزشگاههای ایران بطور منظم

تدریس نشده بود و کارهای فوق برنامه هم در مدارس ایران سابقه نداشت. در ۱۲۹۷ مجلس
سخنرانی در باب اصول آموزش از طرف وزارت فرهنگ در تالار نمایش واقع در زاویه
شمال شرقی بنای قدیم دارالفنون تشکیل شد و متن آنها بچاپ رسید. در ۱۲۹۸ وزارت
فرهنگ مجله اصول تعلیمات را تأسیس کرد که دنباله آن بنام مجله آموزش و پرورش منتشر
میشود. صورت کتابهایی که در خصوص تعلیم و تربیت از این دوره بپس بطبع رسیده در آخر
کتاب روش نوین تألیف نگارنده درج گردیده است.

برای تعلیم در مدارس عالی شایستگی داشتند چندتن استاد از فرانسه و آلمان استخدام شدند و بتدریج که دانشجویان اعزامی باروپا و امریکا مراجعت کردند آنان که دارای اوصاف و شرایط لازم بودند بدبیری و دانشیاری انتخاب گردیدند.

در ۱۳۱۹ در زمان وزارت مرآت سازمان دانشکده طب توسعه یافت و چند آزمایشگاه ایجاد گردید و تمام بیمارستانهای تهران برای تجربه و آزمایش دانشجویان ضمیمه آن دانشکده شد.

از اقدامات مهم دیگری که در این دوره بعمل آمد تأسیس
دانشسراهای مقدماتی برای تهیه آموزگار و وضع قوانین

تربیت معلم

مخصوص برای تثبیت مقام معلم و تأمین آینده او بود. در اسفند ۱۳۱۲ قانون تربیت معلم بتصوب مجلس رسید و بموجب آن مقرر شد ۲۵ دانشسرای مقدماتی در ظرف پنج سال در تمام کشور دائر شود. در قانون مذکور برای فارغ التحصیل های دانشسراهای مقدماتی و دانشسرای عالی و در قانون تأسیس دانشگاه تهران برای دانشیاران و استادان طرز استخدام و ده درجه خدمت و ترتیب ارتقاء و بازنشستگی پیش بینی گردید و برای اولین بار معلم خدمتگزار رسمی مملکت محسوب و آئینه وی تأمین و مستحکم شد.

در همان سال نسبت بوزرش توجه خاص معطوف گردید و انجمن

تربیت بدنی

تربیت بدنی که توسط آقایان ابراهیم حکیمی و حسین علاء

و نگارنده در آغاز ۱۳۱۲ تأسیس شده بود رسمیت یافت و با استخدام کارشناس امریکائی و تهیه ورزشگاه های عمومی و استخرهای شنا و تشکیل مسابقه های قهرمانی و باشگاهها و اردوهای تابستانی و سازمان پیشاهنگی و اعطاء جوایز بدست شاهنشاه جنبش مهمی در مملکت پدیدار شد. در ۱۳۱۷ دانشسرای تربیت بدنی برای تهیه معلم بوجود آمد.

برای حفظ و توسعه و ترقی زبان فارسی در ۱۳۱۴ انجمنی

فرهنگستان

بنام فرهنگستان ایران تأسیس شد که در پیراستن زبان فارسی

و جلوگیری از تعصبات افراطی و تسجیل اصطلاحات علمی اقداماتی نمود.

مدارس مختلط در ۱۳۱۴ دبستانهای مختلط تشکیل شد و تا ده سالگی پسران و دختران در یکجا مشغول تحصیل گشتند و در دانشسرای عالی پسران، دوشیزگان نیز مجاز بورود شدند. در ۱۷ دی سال مذکور در دانش سرای پسران تهران رضا شاه با حضور ملکه و شاهدخت ها برابری زن و مرد را اعلام داشت و برافکندن حجاب را دستور فرمود.

آموزش سالمندان در ۱۳۱۵ مورد توجه واقع شد و در دبستانهای دولتی کلاسهایی برای تعلیم خواندن و نوشتن و حساب و مختصری تاریخ و جغرافیا در تمام کشور در اوایل شب دایر گردید و کتابهای مخصوص برای این کار تألیف و چاپ شد و باین ترتیب صدها هزار نفر از اکابر توانستند با سواد شوند.

برای تربیت اخلاقی مردم در ۱۳۱۷ سازمان پرورش افکار ایجاد شد تا از راه سخنرانی و نشریه و موسیقی و رادیو و نمایش حس غرور ملی و میهن پرستی را تقویت کند. سازمان مذکور در همان سال هنرستان هنرپیشگی را تأسیس کرد و باین ترتیب سی سال پس از تعطیل تکیه دولت از نو بتربیت مردم بوسیله نمایش اقدام رسمی بعمل آمد.

سیر قهرائی در ۱۳۱۷ در سازمان و برنامه دبیرستانها تجدید نظر شد و از دبیرستانهای فرانسه تقلید ناقصی بعمل آمد و چون دولت مقتدر بود بانتقادات اشخاص مطلع توجه نکرد. تحصیلات متوسطه شش ساله که تا آن زمان بدو دوره سه ساله و دوره دوم بچندشعبه (ادبی - علمی - بازرگانی - کشاورزی - صنعتی) تقسیم میشد بسه دوره مبدل گردید: دوره اول سه سال - دوره دوم دو سال - کلاس آخر یکسال و در آخر هر دوره امتحانات رسمی مقرر گردید. برنامه بسیار سنگین شد و بر مقدار مواد تحصیلی افزوده گردید - بدون رعایت وقت شاگرد و ساعاتی که باید صرف پرورش اخلاقی و بدنی او بشود. موادی که در برنامه منظور شد در زندگانی مورد حاجت نیست و تحمیل زائدی بر حافظه دانش آموز است.

همینطور در سال مذکور در برنامه دانش سرای عالی وزیر فرهنگ تجدید نظر کرد و ذوق و شخصیت محصل که از ۱۳۱۱ تا آن تاریخ رعایت میشد بموجب برنامه جدید از میان رفت و اختیاری که دانشجویان در انتخاب مواد تحصیلی و اخذ شهادتنامه های

گوناگون داشتند لغو گردید و مواد معینی بین سه سال تحصیلی تقسیم شد و همهٔ محصلین رامقید بخواندن آنها نمودند.

طبع کتب
در مقابل سیر قهرائی مذکور در ۱۳۱۷ شروع به تهیه و طبع یکدوره کتب درسی برای دبیرستانها شد و در حدود هشتاد جلد کتاب توسط نویسندگان ارجمند کشور در ظرف سه سال تألیف و چاپ و بیهای ارزان در دسترس کلیه دانش آموزان گذاشته شد.

در مدت زمامداری رضا شاه علاوه بر کتب درسی ابتدائی و متوسطه، عده‌ای از شاهکارهای زبان فارسی چون شاهنامه و دیوان حافظ و کلیات سعدی و نظامی و عده‌ای از نسخ خطی فارسی چون تفهیم ابوریحان بیرونی و تاریخ بیهقی و تاریخ سیستان و حدود العالم تصحیح و طبع گردید. عده‌ای از کتب مستشرقین و دانشمندان مغرب زمین چون پروفیسور براون و پروفیسور کریستن سن و هارولد لمب ترجمه و چاپ شد. عدهٔ زیادی کتاب در رشته‌های مختلف ادبی و علمی و فنی و فلسفی و تاریخی و تربیتی از طرف نویسندگان ممالکت تألیف و منتشر شد که هنوز آمار صحیح آنها در دست نیست.

سنجش کار انجام شده
در تمام این دوره نه فقط هر سال بر عدهٔ مدارس افزوده شد و بودجهٔ فرهنگ رو به تزاید رفت بلکه بتدریج بناهای مرغوب برای دانشسرا و دبیرستان و دبستان در مرکز و تقریباً تمام شهرهای ایران ساخته شد. برای نشان دادن افزایشی که در بودجهٔ فرهنگ و عدهٔ شاگرد و معلم در این دوره بعمل آمد چون آمار کاملی از ۱۲۹۷ در دست نیست آمار ۱۳۰۴ و ۱۳۲۰ از روی سالنامهٔ رسمی وزارت فرهنگ ذیلاً نقل میشود:

سال بودجه بهزارریال شمارهٔ آموزشگاه (۱) شمارهٔ شاگرد شمارهٔ معلم

۱۳۰۴	۷۷۳۱	۲۳۳۶	۱۰۸۹۵۹	۶۰۸۹
۱۳۲۰	۱۵۴۸۵۶	۹۱۶۴	۵۳۵۸۸۲	۱۴۴۹۴

(۱) مقصود از آموزشگاه کلیهٔ مؤسساتی است که در آن تعلیم صورت گرفته چون مکتب و دبستان و دبیرستان و دانشگاه و مدارس علوم دینی و کلاسهای سالمندان.

فصل بیست و سوم

سازمان آموزشگاهها

از صدر اسلام تا زمان حاضر

شرح مؤسساتی که برای آموزش و پرورش در ظرف سیزده قرن بوجود آمده و تفصیل تحولات و نشوونمای آنها بسیار مبسوط است. در اینجا بتناسب حجم این کتاب کلیاتی نگاشته میشود تا دانشجویان فی الجمله اطلاعاتی نسبت بآموزشگاه های این مدت بدست آورند.

نخستین مؤسسه‌ای که در دروه اسلامی در ایران برای تعلیم

مسجد

و تربیت مسلمانان بکار برده شد مسجد بود زیرا بوسیله مسجد

منظور مسلمانان که ترویج دین اسلام و تعلیم مبانی آن بود بر آورده میشد. باضافه نظر بتأثیر فوق العاده مذهب در اخلاق و رفتار گروندگان، حکام عرب بتأسیس مسجد و تعلیم دین تفوق و تسلط خود را بر روح و جسم ایرانیان تأمین میکردند بنا بر این از لحاظ دنیوی نیز علاقه مند بتأسیس مسجد بودند.

کسانی نیز که اسلام آورده بودند همگی تشنه اطلاعات تازه راجع بدین جدید

بودند و میل داشتند از توحید و قرآن و احکام شرع آگاه شوند و مسجد که برای پرستش

خدا و اداء فرائض و مرکز اجتماعات مسلمین بود طبعاً بهترین جایگاه برای این کار

بشمار میرفت. چنانکه در عالم مسیحیت کلیسا همین وظیفه را انجام میداد (رجوع کنید

به صفحه ۹۴-۹۳)

از قرن اول هجری در شهرهای مهم ایران شروع بایجاد مسجد شد چنانکه در سیستان مسجد آدینه در قرن مذکور بنا گردید و حسن بصری در آن احکام تعلیم کرد (۱). و بسال ۹۴ قتیبه بن مسلم مسجد جامع را بنا کرد (۲). در بلاد دیگر چون نیشابور و هرات و بلخ و سبزوار و یزد و قزوین و اصفهان و شیراز و کرمان رفته رفته مسجدها برپا شد و در آنها تربیت و تعلیم مؤمنین صورت گرفت.

اوقات تعلیم موقعی بود که مردم از عبادت فارغ شده و به مسجد نیاز نداشتند یعنی از بامداد تا نیمروز و سپس میان نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشاء (۳). جایگاه درس عبارت بود از شبستان و رواق و ایوان مسجد.

هر استاد بر ستونی از شبستان تکیه میزد یا در گوشه‌ای از رواق می‌نشست و مستمعین گرد او حلقه میزدند. در مساجد مهم که وسیع بود چند استاد تعلیم میکرد و ازینرو در شبستان حلقه‌های متعدد تشکیل میشد و هر حلقه بنام استاد آن حلقه نامیده میشد. بعضی اوقات حلقه درس را نیز «مجلس» میخواندند.

موادی که تدریس میشد در آغاز عبارت بود از قرائت قرآن - حدیث - بحث در اصول دین و مذهب - تفسیر - قوانین شرع (فقه). بعدها صرف و نحو زبان عربی و ادبیات عرب و منطق و علم کلام بر مواد مذکور افزوده شد.

نظر بموارد اختلافی که بین فرقه‌های مختلف اسلام موجود بود در مساجد حلقه‌های مخصوص برای پیروان معتزله و اشعری و اصحاب حدیث و غیره تشکیل میگردد و استادی که درس میگفت از معتقدین آن فرقه بود.

از قرن دوم هجری بعد که کتب علوم دینی تألیف گردید بر عده و نوع حلقه‌ها افزوده شد و مواد درسی رو بتزاید رفت و در بعضی از مساجد مانند مسجد عقیل و مسجد جامع منیعی نیشابور در قرن پنجم هجری و مسجد جامع توران شاهی کرمان در قرن ششم

(۱) تاریخ سیستان - چاپ بهار ۱۳۱۴ - صفحه ۸۹

(۲) تاریخ بخارا تألیف محمد نرشخی - چاپ شهر پاریس ۱۸۹۲ - صفحه ۴۷

(۳) اهل سنت بین نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشاء فاصله میگذازند ازینرو وقتی

به مسجد میرفتند فاصله بین دو نماز را صرف آموختن اصول و فروع دین میکردند.

کتابخانه تأسیس گردید و حکام و امراء و توانگران کتبی بر طلاب وقف کردند .
 هر مسجد معمولاً موقوفه‌ای داشت که از در آمد آن به پیش‌نماز و مدرسین و واعظ
 و گاهی به طلاب حقوق داده میشد . در بعضی از مساجد برای سکونت محصلین حجره
 نیز بنا میکردند و مکانی هم برای تعلیم یتام و اطفال در آنها معین مینمودند .

مکتب
 برای تعلیم الفبا و کلام الله در عده‌ای از مساجد مکتب برپا شد
 ولی تنها در مسجد مکتب دائر نگردید بلکه هر جا ممکن بود
 مکتب تأسیس گشت . بعضی از مکاتب در خانه مکتب دار و برخی در دکانها بوجود آمد
 و وقتی شروع بتأسیس مدرسه کردند معمولاً در بنای مدرسه محلی نیز به مکتب
 تخصیص دادند تا داوطلبانرا برای ورود بمدرسه آماده سازد .
 مکتب را گاهی کتاب (بضم کاف و تشدید تاء) و مکتب دار را ادیب و معلم و
 مؤدب خوانده‌اند .

شرط ورود به مکتب فقط این بود که کودک از عهده شست و شو و طهارت خود
 بر آید بنا بر این معمولاً از پنج شش سالگی طفل را بمکتب می‌گذاشتند .
 دوره تحصیل معین و مشخص نبود . هر کس بتناسب توانائی مالی و استعداد ذاتی
 طفل، فرزند خود را بمکتب می‌فرستاد ولی قاعدتاً از سن بلوغ یعنی حدود پانزده سالگی
 تجاوز نمی‌کرد .

بمعلم مکتبی که در مسجد یا مدرسه تشکیل میشد معمولاً از عایدات اوقاف
 حقوقی داده میشد و درازاء آن ، مستمندان و یتیمان در آنها برایگان تحصیل میکردند .
 در مکاتب دیگر معلم ماهیانه جزئی از هر کودک میگرفت - بعضی از اطفال را گاهی
 بکارهای خصوصی خویش می‌گماشت - در آخر هر مرحله از تعلیم چون خواندن سوره
 فاتحه یا ختم قرآن یا بمناسبت پیش آمد اعیاد هدایائی را از اولیای آنها انتظار داشت
 و چون با همه این کمکها گذران او تأمین نمیشد در ضمن اشتغال بتعلیم ، بکارهای دیگر
 چون استنساخ کتاب و رقعہ نویسی و دعانویسی و مانند آن نیز می پرداخت .

بطور کلی معلومات مکتب دار زیاد نبود و معمولاً در حدود برنامه‌ای که میآموخت

سواد داشت. از حیث اخلاق نیز رفتار و کردارش غیر قابل انتقاد نبود و بهمین جهت مخصوصاً در قرون اخیر در جامعه نفوذ و مقام ارجمند نداشت.

برنامه مکاتب در ابتدا عبارت بود از آموختن الفباء و قرائت قرآن و از بر کردن بخشی از آن. چون قرآن بزبان عربی است و اطفال نمی فهمند بزحمت زیاد و در مدت طولانی آنرا طوطی وار یاد می گرفتند و چنانچه پس از مکتب وارد زندگانی میشدند و چندی از خواندن کلام الله غفلت میورزیدند قرائت آن دشوار و گاهی غیر ممکن میشد. تحصیل و یاد گرفتن بدون فهمیدن و بکار انداختن قوه تفکر باین ترتیب مرسوم گردید و در بسیاری از مکاتب و مدارس این رویه باقی ماند.

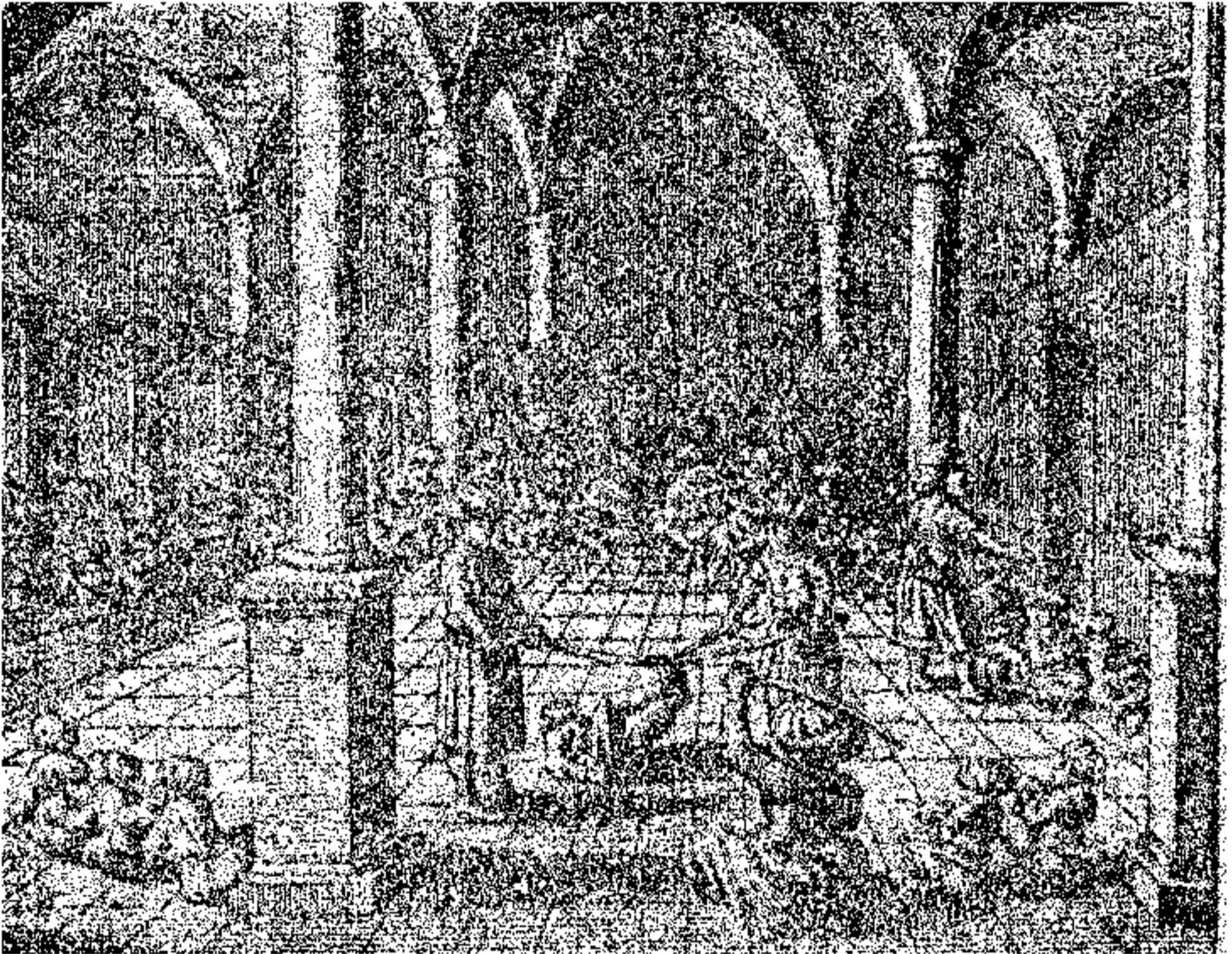
بتدریج که «علوم عربی» بسط یافت و کتاب تألیف شد و زبان فارسی بشکل کنونی نضج گرفت و آثار نظم و نثر پدید آمد برنامه مکاتب توسعه حاصل کرد و خواندن کتاب و رساله های فارسی و حفظ اشعار و فرا گرفتن مقدمات صرف و نحو عربی جزو برنامه شد و در حقیقت مکتب مقدمه مدرسه گردید و عده ای از شاگردان خود را برای ورود بمدرسه حاضر کردند.

پس از یاد گرفتن الفباء و خواندن سوره های کوچک آخر قرآن که بشکل جزوه جداگانه در آمده و «عم جزو» نام داشت کودک بقیه سوره های کلام الله را میخواند. آنگاه برای قرائت، رساله و کتابهایی را در مکتب بکار میبرد که بر حسب زمان و مکان متفاوت بود و بر سبیل نمونه فهرست بعضی از آنها که در قرون اخیر معمول بود در اینجا ذکر میشود:

صد کلمه حضرت امیر (عربی) و ترجمه آن بفارسی - مثنوی نان و حلوائی شیخ بهائی - موش و گربه عیید زاکانی - پندنامه فریدالدین عطار - گلستان سعدی - دیوان جودی - دیوان حافظ - حسین کرد - خاورنامه - ترسل - نصاب ابو نصر فراهی - قسمتی از جامع المقدمات چون امثله و شرح امثله و صرف میر - حلیه المتقین مجلسی

انتخاب کتاب از روی قاعده معینی نبود و قوه طفل یا آسانی و دشواری کتاب در نظر گرفته نمیشد بلکه بر حسب میل اولیای طفل یا بر حسب تصادف کتاب یا رساله ای که در خانه بود کودک بمکتب میبرد و میخواند. برخی از اطفال سیاق نیز میآموختند

که همان عام حساب است با کلمات مخفف عربی که ظاهراً از روی علائم پهلوی در حدود هشتاد هجری برای نوشتن دفاتر دیوان وضع گردید و تا چند سال قبل جزو برنامه رسمی دبستانها بود و هم‌اکنون میان بعضی از کسبه معمول و متداول است. عده‌ای از کودکان نیز نوشتن و خوشنویسی را نزد مکتب دار یا معلم خط در خارج از مکتب فرامی‌گرفتند



مکتب در اصفهان

از روی تصویری که تاورنیه Tavernier سیاح فرانسوی بهنگام شش مسافرت خود بایران میان ۱۰۴۶ و ۱۰۷۴ هجری (۱۶۶۳-۱۶۳۶ میلادی) در اصفهان مشاهده و در سفرنامه خود منتشر نموده است

روش تعلیم در مکتب افرادی بود اطفال برفرشی که از خانه می‌آوردند و بنشینستند و برخی رحل یا لوح در پیش خود داشتند.
ادیب معمولاً در مدخل مکتب بر سکوئی جلوس میکرد و ترکه‌ای در دست

داشت بدو آهريك از شاگردان بزرگتر بجلو آمده درس ميگرفتند آنگاه بعنوان خليفه مأمور آموختن ديگران ميشدند. هر كودك پس از گرفتن درس موظف بود بر جای خود بنشيند و درس خود را بدون انقطاع بصداي بلند بخواند و تکرار کند بطوریکه در مکتب پیوسته صدای شاگردان بلند و باهم آمیخته و با حرکت موزون بدن آنها توأم بود.

بعقیده مکتب دار بلند خواندن درس باعث ميشد که شاگرد اولاً تلفظ کردن کلمات را فراگیرد و سخن گفتن را بياه و زود ثانياً حواس خود را متمرکز کند و متوجه درس باشد.

از حفظ کردن مهمترين وسيله یاد گرفتن بود. رعایت ذوق شاگرد و قوه فهمیدن او نميشد و اساساً فهمیدن و فکر کردن مورد توجه نبود.

هر کس درس خود را نمیدانست زجر و عقوبت میکشید و معلم او را با ترکه ميزد و در صورت لزوم پاهای او را توسط شاگردان ديگر بفلکه می بست و با چوب یا تازیانه می نواخت.

امراء و اعیان و اشراف و توانگران اطفال خود را به مکتب خانه نميفرستادند زیرا بواسطه نواقصی که مکتب داشت و عادات و اخلاق زشت کودکان ديگر، مکتب مناسب باحيثيت و شئون خداوندان نعمت نبود. بهمین جهت هر کدام ادیبی را که واجد شرایط بود انتخاب و مأمور تربیت فرزندان خویش میکرد و در خانه محلی را بدین کار تخصیص میداد و گاهی معلم را چون عضوی از خانواده در جوار خود سکونت میداد و از او پذیرائی مینمود و در صورتیکه خوش محضر بود بنديمی اش اختيار میکرد.

چنانکه سابقاً مذکور افتاد (صفحه ۴۰۶) باتحقیقاتی که تاکنون مدرسه بعمل آمده تا قرن چهارم هجری مدرسه یعنی محل مستقل برای آموختن درجات متوسط و عالی علوم و ادبیات وجود نداشته است - غیر از دانشگاه کند شاپور (اشگر گاه شاپور) که از زمان ساسانیان تا اواخر قرن سوم هجری باقی و موجود بود. در دوره اسلامی فکر تأسیس مدرسه وقتی پیداشد که ایران حیات مستقل